

نادین گوردیپر؛ برنده‌ی جایزه نوبل ادبی



۱۳۲

جایزه‌ی نوبل در زمینه‌ی ادبیات از سال ۱۹۰۱ میلادی تا کنون میان بهترین نویسندگان و یا شاعران برگزیده‌ی آکادمی سوئد توزیع شده است. فقط در سال ۱۹۳۵ و در سالهای طوفانی جنگ دوم جهانی یعنی سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ در اعطای آن وقفه افتاد.

تا کنون این جایزه، به ترتیب زیر بین کشورها تقسیم شده است:
فرانسه ۱۲ بار، انگلستان ۸ بار، سوئد و آمریکا هر یک ۷ بار، آلمان ۶ بار، ایتالیا، شوروی و اسپانیا هر یک ۵ بار، نروژ و لهستان ۴ بار، دانمارک ۳ بار، شیلی، یونان، سوئیس و ایرلند هر یک ۲ بار موفق به دریافت این جایزه شده‌اند.

نویسندگان کشورهای استرالیا، بلژیک، کلمبیا، مصر، فنلاند، گواتمالا، هند، اسرائیل، ژاپن، یوگسلاوی، نیجریه، چکسلواکی، مکزیک و آفریقای جنوبی هر کدام یک بار توانسته‌اند موفق به کسب جایزه‌ی نوبل شوند. لیست کامل نویسندگان در پایان همین نوشتار آمده است.

این جایزه تا کنون چهار بار به طور مشترک به دو نویسنده همزمان تعلق گرفته است و

در دو مورد، نویسندگان از پذیرش آن سر باز زدند: نخست بوریس پاسترناک^۱ در سال ۱۹۵۸ که مجبور به این کار شد و بعد ژان پل سارتر^۲.

قابل ذکر است که تاکنون هفت نویسنده‌ی زن موفق به دریافت این جایزه شده‌اند: سلما لاگروف^۳ اهل سوئد در سال ۱۹۰۹، گرازیا دل‌دا^۴ از ایتالیا ۱۹۲۶، سیگرید اُنْدست^۵ نروژی در سال ۱۹۲۸، پرل باک^۶ از آمریکا در سال ۱۹۳۸، گابریلا میسترال^۷ از شیلی در سال ۱۹۴۵، نلی ساچز^۸ نویسنده‌ی آلمانی در سال ۱۹۶۶ و پس از ۲۵ سال برای بار دیگر این جایزه به خانم نادین گوردیمر^۹ نویسنده‌ی آفریقایی جنوبی تعلق گرفت.

نادین گوردیمر در سال ۱۹۲۳ در یک دهکده‌ی کوچک به نام اسپرینگ در نزدیکی ژوهانسبورگ چشم به جهان گشود. او از همان کودکی با رنج و تحقیر کارگران معدن آشنا شد چرا که شهر یا دهکده‌ی محل تولد او از مراکز معدنچیان طلا بود.

پدر او مهاجری از اروپای شرقی و تربیت یافته در یک خانواده‌ی یهودی - روس «ارتدوکس» بود و در نتیجه حامل تفکرات مذهبی.

او خود می‌گوید که تفکر مادر یک روحیه و جوّ اومانستی را در خانه حکمفرما کرد که ناشی از تفکر مذهبی نبود. او ادامه می‌دهد: «البته که من یک زن یهودی هستم و علاقه‌ای هم ندارم که چیز دیگری باشم ولی هیچگاه مقید به انجام اعمال مذهبی نبوده‌ام و خواهان تظاهر به این کار هم نیستم. من احساس و هویت خود را از کشورم آفریقایی جنوبی و به خصوص سیاهپوستان آن گرفته‌ام. احساسات و ایمان من ریشه در آنجا دارد و نه هیچ جای دیگر».

او تمام عمر خود را صرف نویسندگی، دفاع از سیاهپوستان و مبارزه بر علیه نژاد پرستی کرده است. به همین دلیل، بسیاری از کتابهای او تا همین چندی پیش در کشورش مورد توقیف بود. به اعتقاد او سانسور عاملی کند کننده است و نه بازدارنده. نویسنده باید در عین حال که با سانسور بی‌واسطه به مبارزه برمی‌خیزد احساسات و اعتقادات خود را از طریق نوشته‌هایش بازگو کند و بدین ترتیب در جبهه‌ای دیگر نیز به مصاف با بی‌عدالتی که یک چهره‌اش سانسور است، برود. او این هر دو را به خوبی تجربه کرده است. از یک سو، بی‌واسطه و علنی یعنی با بنیانگذاری و شرکت فعال در «کنگره‌ی نویسندگان آفریقایی جنوبی»^{۱۰} که دو سال پیش به همت او و چند تن دیگر از نویسندگان آفریقایی جنوبی تشکیل شد، یا فعالیت در «گروه عمل بر علیه سانسور» و یا عضویت در کنگره‌ی ملی آفریقا^{۱۱}. از سوی دیگر با عدم پذیرش جوّ

موجود و سانسور حاکم و ادامه‌ی پرتوان کار نویسندگی مبارزه‌ی خود را به پیش برد. «او چنان می‌نویسد که گویی سانسوری موجود نیست.»

نادین گوردیمر از آن دسته نویسندگانی است که گستره‌ی وسیعی از خوانندگان را مورد مخاطب قرار می‌دهد. او روایتگری پرتوان، تصویرگر انسانها، دشواریهای زندگی، و اوضاع میاسی است و در عین حال هنرمندی والا و پالایش یافته است.

این بانوی نویسنده‌ی سفیدپوست خالق آثار بسیاری بوده و همچنان توانا به کار خود ادامه می‌دهد. حاصل کار او ده داستان بلند و به همین میزان مجموعه داستانهای کوتاه و چندین مجموعه مقالات است. از جمله رمانهای او می‌توان «روزگار دروغ»، «دنیای خارجیان»، «دنیای فراموش شده» و «سرگذشت پسر» را نام برد. «نامه‌هایی از ژوهانسبورگ» آخرین مجموعه مقالات اوست.

برای آشنایی بیشتر با این نویسنده‌ی ۶۷ ساله - جز از طریق آثار او، می‌توان به کتاب تازه منتشرشده‌ای به نام «گفتگوهایی با نادین گوردیمر»^{۱۲} رجوع کرد. این کتاب توسط انتشارات دانشگاه می‌سی‌سی‌پی به چاپ رسیده و شامل سی و چهار گفتگو در سی سال اخیر این نویسنده می‌باشد.

مقالات گوردیمر به واسطه‌ی روشنی گفتار و بلوغ زبان در انعکاس واقعیات، مورد تحسین منتقدان واقع شده است اما خود او معتقد است که رمانها و داستانهای کوتاه او، تصویری عمیق‌تر از وضع موجود ارائه می‌دهند:

«هنر رمان، پژوهش در امکانات موجود ولی ناملموس در روند رشد فرد است. از این رو گویی که ذره ذره باید جاری شود و شکل گیرد. اما داستان کوتاه با نقطه‌ی آغاز از دنیای درون و یا بیرون، بیان‌کننده و تصویرگر آن قطره‌ی زندگی زاست - عرق، اشک، که تراکم خود را در یک آن بر صفحه‌ی کاغذ می‌گستراند، با آنچنان قدرتی که گویی صفحه را تاب توان نیست.»

سخن بر سر نویسنده‌ای است با هوش سیاسی که سراسر عمر خویش را وقف مبارزه با دستگاه نژادپرستی و برجسته کردن ارزش انسان سیاه کرده است. انسانی که مورد ظلم و سودجویی سفیدپوستان قرار گرفته است و فاقد قدرت برای اعتراض قانونی است. او می‌خواهد انسان را آنچنان بنمایاند که هست. کتابهای او از این رو، فاقد موعظه‌های تبلیغاتی است. روایات او بیان‌پرورد یک رسالت است.

او مارکس را در «کوله بار» خود دارد اما بیشتر به کافکا نزدیک است.

چهارچوب رمانهای او بر نفی آپارتاید استوار بوده، اما او این مهم را جدا از دید خاص خود در مورد زنان و وضعیت آنها به انجام نمی‌رساند. در نوشته‌های گوردیمر، عشق بعد تازه‌ای

می‌باید و اغلب در محدوده‌ی ممنوعه‌ی نژادی و به صورت یک مبارزه‌جویی سیاسی و بعضاً به شکل تمثیلی تجلی می‌یابد.

او از نویسندگان دیگر بسیار چیزها آموخته‌است. در جوانی شیفته‌ی اپتون سینکلر^{۱۳} آمریکایی و دی. اچ. لارنس^{۱۴} روانشناس و هنرمند انگلیسی بود. نزدیکی او با سینکلر، به واسطه‌ی بیان و تصویر دنیایی بود که با محیط کودکی او، یعنی محیط معدن همخوانی داشت. و با دیگری به واسطه‌ی حس طبیعت‌دوستی و توضیح آن. اما او در عین حال از نویسندگان بزرگ روس به خصوص تورگنیف و در ادامه از جویس^{۱۵} و یا نویسندگان آمریکای لاتین با علاقه نام می‌برد.

به قول یک منتقد، «اگر قرار است فقط یک کتاب در مورد ادبیات آفریقای جنوبی خوانده شود، آخرین داستان بلند این نویسنده کافی است.» او با دیدی مستحکم و استوار به اعماق می‌رود؛ به آنجا که تباهی و کمبودهای جامعه ریشه دارد، در عین حال که چشم به جامعه‌ی آرمانی آینده دارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Boris Pasternak
2. Jean Paul Sartre
3. Selma Lagerlöf
4. Grazia Deledda
5. Sigrid Undest
6. Pearl Buck
7. Gabriela Mistral
8. Nelly Sachs
9. Nadine Gordimer
10. The Congress Of Southafrican Writeres
11. A.N.C.
12. Conversations With Nadine Gordimer
13. Upton Sinclair
14. D.H. Lawrence
15. Joycc